

چرخه معیوب انتخابات

در ۲۶ اکتبر در گرجستان انتخابات برگزار شد. خیلی‌ها نه فقط به تغییر دموکراتیک دولت بلکه به پایان حاکمیت تک‌حزبی و بازگشت به یکپارچگی با اروپا امید داشتند. اپوزیسیون ضعیف و چندپاره به ۴ منطقه انتخاباتی اصلی تقسیم شدند، وعده تشکیل دولتی ائتلافی دادند و این انتخابات سراسری را به‌عنوان انتخابی میان اروپا و روسیه نشان دادند.

پیش از انتخابات، سالومه زورابیشویلی، رئیس‌جمهور گرجستان «مشهور گرجی» را معرفی کرد که نقشه راهی برای گذار بآئیتک و دموکراتیک به سبک جدیدی از حکومت‌داری و اصلاحاتی را برای کسب شرایط الحاق به اتحادیه اروپا آغاز کرد.

با اینکه نتایج نظرسنجی‌ها حاکی از پیشی گرفتن ۱۰ درصدی حزب حاکم «روپای گرجستان» بود، اما در انتخابات اکثریت ۵۴ درصدی را کسب کرد. زورابیشویلی و احزاب اپوزیسیون نتیجه انتخابات را به‌رسمیت نمی‌شناسند و روند طولانی اتهام به تقلب و اعتراضات خیابانی را آغاز کردند. با چیره‌شدن ناامیدی و خیابان‌ها جای صندوق‌های رای را به‌عنوان تغییر دموکراتیک گرفتند که حسن دژاویا آشناینداری را دارد. گرجستان این داستان را قبلاً هم دیده بود. حزبی بر اثر جریان اعتراضات مردمی به‌قدرت می‌رسد و اصلاحاتی را در پاسخ به اعتراضات عمومی انجام می‌دهد اما در پایان دور دوم، شکل اقتدارگرایانه به‌خود می‌گیرد. همانطور که بیش از میزان لازم در قدرت باقی می‌ماند، در روند انتخابات دست می‌برد تا در قدرت باقی بماند. مردم بار دیگر به خیابان‌ها می‌آیند و حزب جدید با اختلاف بسیار برنده می‌شود تا فقط این چرخه تکراری ادامه پیدا کند. هر بار، قدرت نخبگان حاکم بیشتر می‌شود و روش‌هایی که استفاده می‌کنند پیشرفته‌تر. امنیت کشور برابر است با ثبات رژیم در نتیجه هیچ فضایی برای رقابت دموکراتیک عادی یا ابراز عقیده مخالف باقی نمی‌ماند.

با اینکه آنچه در گرجستان اتفاق می‌افتد، روندی آشناست اما چندین تفاوت وجود دارد.

اول اینکه در این انتخابات نمایندگی تاسیسی وجود داشت. قبلاً سیستمی ترکیبی از نمایندگی به این معنی بود که حزب حاکم همیشه مزیت مناطق دارای اکثریت را داشت. یک سیستم الکتورال جدید انتظار نه‌چندان غیرمنطقی را به‌وجود آورده که این انتخابات‌ها، اگر آزادانه برگزار شوند، منجر به تشکیل دولتی ائتلافی می‌شوند. امید به این بود که سیکل خشونت‌بار سیاست‌های گرجستان را بشکند، ساختاری که به‌وسیله کثرت‌گرایی و اینکه برنده تمام‌فرهنگ سیاسی راصاحب می‌شود، پایدار مانده. حزب روپای گرجستان برای چهارمین دور پیاپی خود در برابر سقوط محبوبیت و بسیج فزاینده اجتماعی در مخالفت با نمایالت استبدادی‌اش رقابت کرد. با این وجود، اکثریت مطلق خود را در انتخابات به‌دست آوردند اما ناظران بین‌المللی می‌گویند، تخلفات جدی و نداشتن استانداردهای دموکراتیک انتخابات را مخدوش کرده است.

دومین تفاوت مهم این است که این انتخابات‌ها نه تنها برای نجات دموکراسی گرجستان بلکه برای نجات چشم‌انداز اروپایی این کشور است. از زمانی که گرجستان شرایط نامزدی اتحادیه اروپا را به‌دست آورد پارلمان این کشور قوانین سبک روسی را اتخاذ کرد. علاوه بر آن، مباحثه سیاسی منتقد اتحادیه اروپا را پیش گرفت که انتقادهای بین‌المللی را نمی‌پذیرد و اتحادیه اروپا و مقامات آمریکایی را به مداخله در امور داخلی و عدم در نظر گرفتن حق حاکمیت گرجستان متهم می‌کنند. در واکنش، اتحادیه اروپا مذاکرات الحاقی گرجستان را تعلیق کرد و آمریکا هم تحریم‌های هدفمند را بر مقامات رده‌بالا و قضات گرجستان در نظر گرفت. به‌شدت انتظار می‌رفت که این انتخابات اصلاح دوران و بازگشت گرجستان به مسیر یکپارچگی با اروپا و یورو-آتلانتیک را در پی داشته باشد. نتیجه انتخابات، اگر همین باقی بماند، از این موضوع جلوگیری می‌کند. دولت روپای گرجستان شرایط الحاق کشور به اتحادیه اروپا را فراهم نمی‌کند چون آن را چالشی برای ماندن خود در قدرت می‌داند.

آخرین تفاوت این است که این انتخابات‌ها در چارچوب بالا گرفتن تقابل‌های ژئوپلیتیکی رخ دادند. پیروزی روپای گرجستان برگ برنده‌ای برای غیرلبرال‌ها، نیروهای محافظه‌کار در سراسر جهان و همچنین برای ویکتور اوربان نخست‌وزیر مجارستان است. اوربان اولین کسی بود که به حزب روپای گرجستان تبریک گفت و حتی برای نشان دادن همبستگی و همسویی ایدئولوژیک به تفلیس سفر کرد. نتیجه انتخابات گرجستان برای روسیه هم پیروزی محسوب می‌شود. نفوذ مسکو در قفقاز جنوبی را که در نتیجه جنگ اوکراین و سقوط قره‌باغ کوهستانی به دست آمده است، بیشتر می‌کند.



یاسمن طاهریان
خبرنگار گروه دیپلماسی

ماریا النا کاردناس ۷۶ ساله است و در پناهگاه شهرداری در خیابان آمارگورا در بخش قدیمی هاوانا زندگی می‌کند. این ساختمان سرگذشت جذابی دارد اما در چند روز اخیر به مکانی برای آشپزی ماریا با چوب‌هایی که در خیابان پیدا می‌کند، تبدیل شده. ماریا در پناهگاه زندگی می‌کند چون خانه‌اش خراب شده؛ اتفاقی عادی در فقیرترین و قدیمی‌ترین محله‌های این شهر زیبا. ماریا می‌گوید: «می‌دانید، ما کوبایی‌ها بهترین شیوه‌ای که می‌توانیم مدیریت می‌کنیم.»

پس از خاموشی‌های مکرر، دولت کوبا در چند روز گذشته تلاش کرده تا شبکه ملی برق را در سراسر جزیره به حالت عادی برگرداند. بدون برق، آب هم قطع می‌شود، خوابیدن هم در گرما دشوار شده، مواد غذایی خیلی زود فاسد می‌شوند.

بخشی از سیستم کمونیستی کوبا همچنان کارکرد دارد. شهرداری برای ماریا غذا می‌فرستد. ماریا می‌گوید: «سه خانواده در اینجا زندگی می‌کنیم. من تنها زندگی می‌کنم، زنی در همسایگی من هم تنهاست، دو کودک هم در کنار مادر، خاله و یک مرد مسن اینجا هستند.»

پس از یک هفته خاموشی، شرایط جزیره به قبل برگشته که ۲۰ ساعت قطعی در روز را طی می‌کند. این بحران اما وحشت و مالیخولیای عمیقی را در باره آینده به‌جای گذاشته است.

خوان سزار رودریگز، ۵۲ ساله می‌گوید: «کوبایی‌ها خوش‌رو حیانه‌اند. حتی زمانی که اتفاق‌های بدی می‌افتد، ما می‌خندیم. اما این واقعاً اتفاق بدی است.»

بحران انرژی از ۱۷ اکتبر آغاز شد؛ زمانی که دسترسی صادر شد تا تمام ادارات غیرضروری دولتی تعطیل شوند و کارمندانشان در خانه بمانند.

تلاش برای صرفه‌جویی در برق، نتیجه‌ای نداد و یک روز بعد خاموشی تمام جزیره را فرا گرفت. نیروگاه آنتونینو گیتراس، یکی از اصلی‌ترین نیروگاه‌های برق کوبا، تعطیل شد و تمام نیروگاه‌های بزرگ دیگر در سیستم نیز از کار افتادند. یکی از مهندس‌های بازنشسته نیروگاه آنتونینو گیتراس به‌شروط ناشناس ماندن به‌گاردین می‌گوید: «راه‌اندازی مجدد نیروگاه برق کار بسیار دشواری است. باید برق زیادی تولید کنید تا راه بیفتد.»

نیروگاه آنتونینو گیتراس سال ۱۹۸۹ ساخته شده و حالا درب و داغون و ازکار افتاده است. این مهندس ناشناس می‌گوید: «حقیقت این است که خیلی بد ساخته شده.» او روایت‌های ترسناکی را از کار با تجهیزات نامن، مدیریت سیاسی که زمان بالا گرفتن مشکلات، ناپدید می‌شود و سیستم کار کشیدن بیش از حد توان نیروگاه تعریف می‌کند. او می‌گوید: «برنامه زمان‌بندی تعمیرات وجود داشت اما هیچ‌وقت دنبال نمی‌شد. امکانات محدود بودند. به ما می‌گفتند: کارخانه باید تولید کند، پس ترمیمش کنید.»

دولت از خطرات این سیستم‌ها آگاه است و عامل آن را تحریم‌های ۶۲ ساله آمریکا بر کوبا می‌داند. میگل دیاز-کانل، رئیس‌جمهور کوبا می‌گوید: «آزار و اذیت مالی و انرژی، واردات سوخت و دیگر منابع ضروری را مشکل کرده است.»

پس از خرابی نیروگاه برق آنتونینو گیتراس، در هفته گذشته شبکه برق سراسری کوبا چهار بار از کار افتاد. میلیون‌ها کوبایی همچنان بدون برق زندگی می‌کنند و به آب آشامیدنی دسترسی ندارند. کوبایی‌ها بیش از ۷۰ درصد از درآمد خود را برای خرید مواد غذایی خرج می‌کنند. دولت کوبا که از سیستم سهمیه‌بندی برای توزیع مواد غذایی برای هر خانوار استفاده می‌کند، نان را فقط به کودکان و زنان باردار تخصیص داده است.

امسال، برای اولین بار در تاریخ، کوبا درخواست تامین شیر خشک برای کودکان زیر ۷ سال را از «برنامه جهانی غذا» ارسال کرد.

علاوه بر آن، یونسف اخیراً کوبا را در فهرست کشورهای قرار داده که از فقر کودکان رنج می‌برد. غذای جیره‌بندی‌شده به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. نرخ تورم سالانه، ۳۱ درصد است و بازنشستگان ماهیانه ۵ دلار دریافت می‌کنند.

بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۲، کوبا در شاخص توسعه انسانی ۳۰ پله سقوط کرد. حتی مراقبت‌های بهداشتی و خدمات آموزشی بسیار عالی هم آسیب دیده‌اند. در ۳ سال گذشته ۱۲ هزار پزشک، شغل خود را کنار گذاشته‌اند و نرخ مرگ و میر نوزادان افزایش یافته است. کوبا همچنین برای سال تحصیلی امسال به ۲۴ هزار معلم نیاز داشت. دولت کوبا در ۱۸ اکتبر با وجود تعطیلی مدارس و ادارات غیرضروری نه‌تنها نتوانست مشکل قطعی برق را حل کند بلکه طوفان اسکار، بارش‌های سنگین و بادهای قوی با سرعت ۱۲۰ کیلومتر بر ساعت شرق کوبا را در هم کوبید. در این طوفان تاکنون ۷ نفر کشته و خانه‌های هزاران نفر ویران

تحریم گزارش



عکس: Reuters

جزیره خاموش

قطع سراسری برق، بحران اقتصادی و تحریم‌های ۶۰ ساله

شده است. بیش از ۱۴۹ هزار نفر شامل ۳۲ هزار و ۶۰۰ کودک آسیب دیده‌اند.

نیروگاه آنتونینو گیتراس دوباره راه افتاده و مسئولان تامین انرژی کوبا می‌گویند که برق در بسیاری از مناطق هاوانا و برخی از مناطق حاشیه‌ای بازگشته است. اما همچنان هشدار می‌دهند که نباید نسبت به آن خوش‌بین باشند.

کوبا ۵ نیروگاه تولید برق دارد که همه معیوب و در حال فروپاشی‌اند. محصولات نفتی ۸۰ درصد نیروگاه‌ها را تامین می‌کنند و کل جزیره برای تامین سوخت به ونزولا وابسته است اما از زمانی که ونزولا صادرات سوخت را در اواسط امسال ۵۰ درصد کاهش داد تا بتواند میزان کافی برای مصرف خود داشته باشد، دولت کوبا را مجبور کرد تا سوخت گران‌قیمتی را از بازار نقدی بخرد. مکزیک و روسیه هم صادرات خود را قطع کردند و کوبا را در جایگاه آسیب‌پذیرتری قرار دادند.

مشکل این است که دولت کوبا با بدترین بحران اقتصادی در ۳۰ سال گذشته روبرو شده و دیگر بودجه‌ای برای تامین نیازهایش ندارد. بنابراین قطعی ۲۰ ساعته در روز موضوعی عادی است. لازارو گوئرا، یکی از مسئولان اداره برق می‌گوید که کوبایی‌ها «ناباید انتظار نداشته باشند زمانی که سیستم دوباره راه‌اندازی شود، قطعی برق تمام می‌شود.»

چرا کوبا به اینجا رسید؟

ریشه این بحران را می‌توان به جنگ سرد، زمانی که فیدل کاسترو دولت تحت حمایت آمریکا در ژانویه ۱۹۵۹ را سرنگون کرد، ربط داد. اتحاد جماهیر شوروی که انقلاب کوبا را در میان تمام جنبش‌های چپ افراطی در آمریکای لاتین پیشرفته‌ترین می‌دانست، طرف کوبا را گرفت و محصولات صنعتی و فنی را در اختیار این کشور قرار داد. روابط دولت کوبا با آمریکا به‌طور قابل توجهی بدتر شد؛ تاجایی که در جولای ۱۹۶۰ مالکیت آمریکا بر تمام فعالیت‌های صنعتی، بانکی و تجاری را سلب کرد. در عرض چند ماه، دولت کوبا تمام کارخانجات شکر، اکثر صنایع و تجارت، نیمی از اراضی و تمام بانک‌ها و شبکه‌های ارتباطی در کشور را در اختیار خود گرفت.

تلافی به‌سرعت شروع شد. آمریکا در همان سال کل صادرات به کوبا به‌استثنای مواد غذایی و دارو را ممنوع کرد. یک سال بعد تمام تراکنش‌های تجاری و مالی با جزیره ممنوع شد. سال ۱۹۶۴، لیندون بی جانسون، رئیس‌جمهور وقت، دستور سیاست چندجانبه «عدم‌پذیرش اقتصادی» را صادر کرد که مانع بسیار بزرگی برای تلاش‌های کوبا در جهت تقویت روابط اقتصادی با سایر کشورها محسوب می‌شد. در ۳۰ سال بعد از آن، کوبا مقدار قابل توجهی از نیازهای خود را از طریق کمک‌های بلوک شوروی تامین می‌کرد. اما شکر که تنها کالای

صادراتی کوبا بود وابستگی هاوانا را عمیق‌تر کرد. به‌عنوان بخشی از برنامه کمکی، شکر با احتساب نرخ تورم خریداری می‌شود. در ازای آن، کوبا نفت خام مورد نیاز خود را برای نیروگاه‌های برق می‌خرد.

اما، تا زمان فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، کوبا نتوانست ساختار صنعتی خود را تنوع ببخشد و از تولید کم و اقتصاد تک‌محصولی فاصله بگیرد. این کشور حتی در تولید مواد غذایی از خودکفایی محدودی برخوردار است و تمام ابزارهای تولید در دست دولت قرار دارد.

با حذف تامین‌کننده اصلی نفت، کوبا مجبور شد تا تولید نفت داخلی را بالا ببرد و برای تامین انرژی مورد نیاز خود به ونزولا روی آورد. خسارات تحریم‌های آمریکا تاکنون حدود ۱۳۰ میلیارد دلار تخمین زده شده و دسترسی این کشور را به کالاها و خدمات اساسی محدود کرده است.

در دور دوم ریاست‌جمهوری باراک اوباما، تغییراتی در روابط دو کشور ایجاد شد. تحریم‌ها کاهش پیدا کردند. از سال ۲۰۱۴ روابط دیپلماتیک از سر گرفته شدند؛ از جمله محدودیت شهروندان کوبایی-آمریکایی برای بازگشت به کوبا و ارسال حواله‌های بانکی برداشته شد.

این امر رونق فعالیت‌های بخش خصوصی را در کوبا در پی داشت و اصلاحاتی از سوی دولت کوبا به‌منظور بازسازی اقتصاد کشور اعمال شد. با این حال، دولت کوبا تمایلی به کاهش تسلط خود بر اقتصاد نداشت و روند اجرای اصلاحات به‌کندی پیش می‌رفت که به هیچ‌نوع بهره‌برداری معناداری نرسید.

سپس در سال ۲۰۲۱ دونالد ترامپ در هفته آخری که روی کار بود، محدودیت‌های تجاری را دوباره اعمال کرد که گردشگری، ارسال حواله‌های بانکی و تامین انرژی را در برمی‌گرفت و کوبا را در لیست «دولت‌های حامی تروریسم» قرار داد؛ اقدامی که به کمبودهای بسیار و تورم شدید منجر شد که هر دو بر اثر همه‌گیری کرونا تشدید پیدا کردند. در ماه مارس، صدها نفر از معترضان به خیابان‌های سانتیاگو، دومین شهر بزرگ کوبا آمدند، آنها از کمبود غذا و برق خشمگین بودند.

تنگناهای لجستیکی، تامین کالا را مختل کرد و باعث تورم بیشتر هزینه حمل و نقل شد. کوبا که به‌شدت به صنعت گردشگری وابسته بود، با کاهش شدید ذخایر ارز خارجی خود مواجه شد.

صبر آدم تمام می‌شود

شرایط اقتصادی همچنان رو به بدتر شدن پیش می‌رود. درآمد صادراتی کوبا در سال ۲۰۲۳ همچنان ۳ میلیارد دلار کمتر از سطح قبل از همه‌گیری کروناست و انتظار نمی‌رود حداقل تا سال ۲۰۲۵ فعالیت‌های اقتصادی کوبا به سطح پیش از همه‌گیری کرونا برگردد.

نیم میلیون نفر از جمعیت کوبا که بیشتر آنها جوانان را